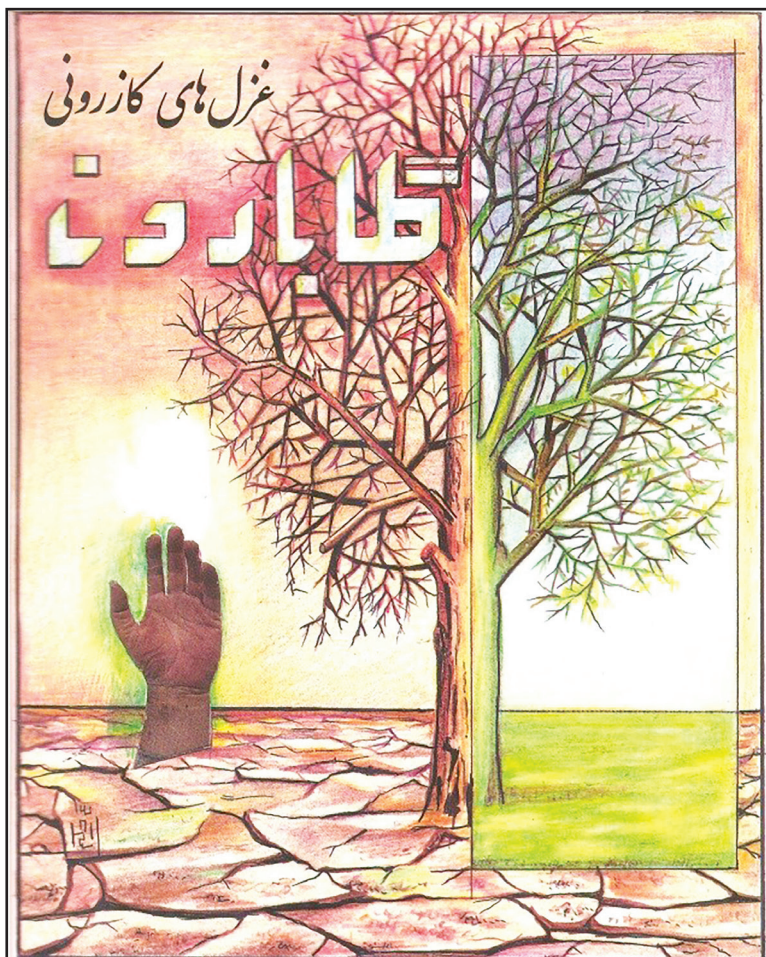
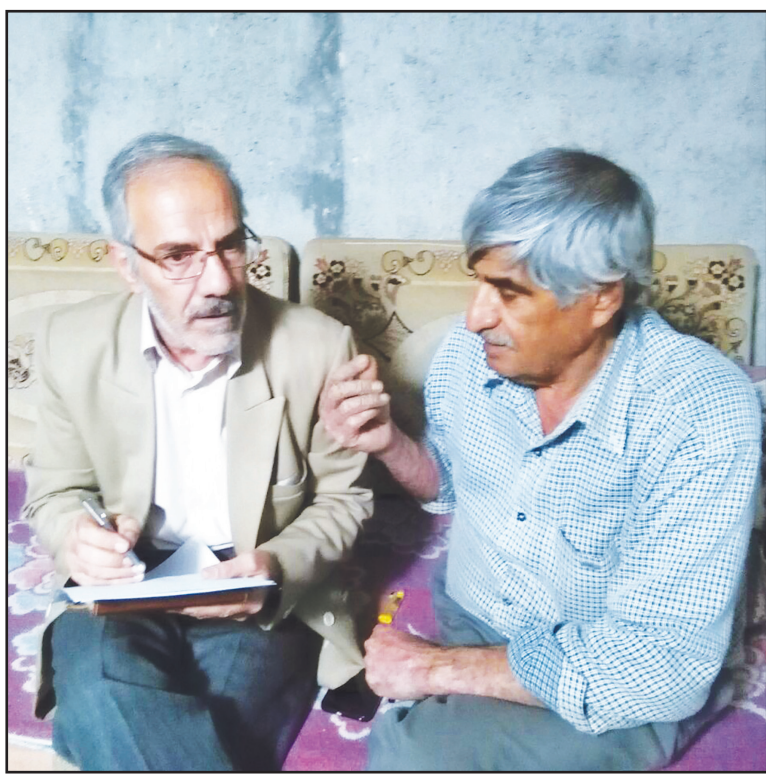


## گلابارون

## گفت‌وگو با هنرمند گرامی سید محمدعلی آل مجتبی (شاه امیری)

محمد رجبی



سید محمدعلی آل مجتبی (شاه امیری)

سر گرون  
sar guron

اسرار غبت توی سینم زندونی کردم	asrar-e gam-et tu-ye sina-m zenduni kerdom
خودم می‌دمم وا ای کارم نادونی کردم	xod-mam midunom va ei kar-om naduni kerdom
دیدم که وا مو سرگرونی، هیچی نگفتم	didom ke va mo sar-garoni hičči nağoftom
رفتم به گوشه‌ی ناله سی تو پنهونی کردم	raftom be guše-y nāle si to penhuni kerdom
هم روز که غبت رو برو شه وا دل بی صاحبم	ham roz ke gam-et rubru šo va del bi sāhāb-om
قربون صدقش رفتم ایشش مهمونی کردم	qorbon sadaqa-š rafte ešēš mehmuni kerdom
برشنگ چیشوی سوز تو آخر غزونم که	boršeng-e čiš-oy sowz-e to āxor γazun-om ke
از بس که توو اشکم شنو توسونی کردم	az bas ke tu ašk-om šenov-e towsuni kerdom
تا ابر گیسبت پس بره ا روی قشنگت	tā abr-gis-et pas bere a roy-e qašang-et
اهی کشیدم وهضی هو طوفونی کردم	āhi kašidom vahz-e havo tifuni kerdom
دیشو که دلم تنگ شده بی سی لب قنبت	di-šow ke del-om tang šode bi si lab-e qand-et
اشکم شو و شر مثل هوئی بارونی کردم	ašk-om šr o šor mesl-e havo-y bāruni kerdom
سر هشتم آ صخری می‌رمال وا دل تنگم	sar heštom a saħro-y miramāl va del-e tang-om
لیلی، تو بیدی ما و غمت مجنونی کردم	leyli-m to bidi mā-va γam-et majnuni kerdom
خوب نی که بگم سر دلم پیش چیش مردم	xub ni ke begom serr-e del-om piš čiš-e mardom
اینه سی تو هر چی که خودت می‌دونی کردم	ey-ne si to har či ke xod-et miduni kerdom

شهریور ۱۳۶۱، کازرون

جعفریان و بقیه کسانی که در این عرصه زحمت کشیده‌اند و اسامی همه را به یاد ندارم.

با سیاست از شما. «گلابارون» اثر ارزشمند و ماندگاری است، دست شما درد نکند. به امید انتشار آثار دیگر شما در آینده‌ای نزدیک!

در پایان از شما و سردبیر و کارکنان نشریه طلوع سپاسگزارم. خدا نگهدارانتان.

در پناه پروردگار بهروز و پیروز باشید.

فراوانی داشتند، غزل‌های بومی‌اش بسیار غنی و سرشار از آداب‌ورسوم کازرون بود. به‌ویژه ضرب‌المثل‌هایش در شعر متحصربه‌فرد است!

برای نمونه اگر ممکنه به موردی اشاره فرمایید.

مثلاً در این ابیات: «گفتی سی چه محسن د غزل کازرونی نمگه / مو آرد خودم بختم و آریبیم اوختم» یا «نم موش تو انبارمن، یا عیب د تو کارمن»، «هم آرزو چیشته داره دلم هم وایه بوس / دتشی آغوره نمرسه تو فکر مویزن»، «میگم آدم باهنده بی بالن ای ور کشم پاشنه / میرم رفتن زکی خانی، می گه بالا چه بختی ای»، «کویرن دنیاوم، صحروی ولهکن خاک خارسون / نه او داره نه اودونی، نه گلبونگ مسلمونی» و استفاده از ضرب‌المثل‌های دیگر که ذهنم یاری نمی‌کند.

به ویژگی مهمی در اشعار ایشان اشاره کردید: تاکنون به این تمایز پی نبرده بودم، آفرین! جناب آقا، شما با مرحوم مردانی خیلی صمیمی بودید، هرگاه که به کازرون می‌آمد اغلب با شما بود. از ایشان هم تأثیر گرفته‌اید؟

بله اولین تأثیر من از ایشان غزل‌هایی بود که برای انقلاب و جنگ سروده‌اند، مثلاً غزلی دارم با ردیف تاریخ که ایشان برایم بازنگری نموده و راهنمایی‌ام کرد.

در اشعار کلاسیک یا فلکلور هم شما را راهنمایی می‌کرد؟

در غزل‌های کلاسیک تا حدی نظر می‌داد ولی اولین بیتی که با لهجه کازرونی سروده بود را یک روز درراه شیراز برایم خواند.

چه بود؟ یادتان هست آقا؟

بله چه خوشن صبا رو که وختی اتمو می‌زنه / آن نسیم پامشه آخو، رو علفا دو می‌زنه. این را برایم خواند. روی پاکت سیگار هما بیضی من نوشتم و به او نشان دادم و گفتم شمرت را تکمیل کردم:

چه خوشن صب کازرون وختی که اتمو می‌زنه

عام نسیم یا همیشه آخو رو علفا دو می‌زنه

شو می‌گرزه تو سینه آملآ خورشید تو کوچه

خوروس همساده سر چنگ دیوار هو می‌زنه

آشوش نمخوا بترسی، ایقده ماهرو داره

آی نقابشو بره پس انگاری ماهتو می‌زنه

درست بخاطر ندارم، اما بیت آخرش این است:

قوز نشین شاعر کا که عامو نصراله ما

وا به بیتی همه شهرتو دم او می‌زنه

جناب آقا، مرحوم مردانی سروده شما را ادامه داد؟

خیر، مرحوم مردانی بعد از یک ماه، غزل کاملی با عنوان «عروس بهار» برایم خواند که کار بسیار خوب و زیبایی بود.

بعدازین هم فلکلوریک کار کرد؟

دو غزل زیبایی دیگر به لهجه کازرونی سرود که در مجموعه «قانون عشق» به چاپ رسید و یک مثنوی ضعیف با لهجه کازرونی که متأسفانه خانواده‌اش بی‌دقتی کردند و در چاپ جدید آن مجموعه انتشار دادند. این کار بازنگری نشده بود و طرح ابتدایی کار بود.

به نظر شما این سروده نباید چاپ می‌شد؟

به‌هیچ‌وجه، به خانواده‌شان هم گفته‌ام. چون در حد کار مرحوم مردانی نبود!

خب بگذریم، بریم سر «گلابارون» برای خوانندگان چه توضیحی دارید؟

این مجموعه علاوه بر اینکه مشتمل بر ۲۳ غزل فلکلور است مطالبی درباره بعضی از قوانین نگارشی لهجه کازرونی و پژوهش از مراسم تمنای باران «گلابارون» و نکاتی درباره اماکن و قنوت است.

کجا این مطالب شرح داده شده؟

در توضیحات هر غزل به مناسبت آمده، مثلاً در غزلی اسم از «میرمال» (میر عماد الدین بلیانی) آورده شده و مختصری راجع به ایشان بیان شده.

جناب آقا، شما برای خواندن این اشعار خیلی زحمت کشیدید. ولی برای کسانی که با لهجه کازرونی آشنا نیستند خواندنش مشکل است، قبول دارید؟

البته، ولی تنها راه نوشتن و خواندن زبان فلکلور در همه لهجه‌ها فوتیتیک حروف است؛ که زبانی بین‌المللی و راهنمای مؤثری در خوانش است که من این کار را با دقت برای هر غزل و هر واژه انجام داده‌ام. جدول حروف فوتیتیک هم در ابتدای کتاب برای آشنایی خوانندگان آورده‌ام.

جناب آقا، «گلابارون» با توجه به لهجه کازرونی می‌تواند در جاهای مختلف کشور مورد استفاده قرار گیرد؟

بله، با رشد تکنولوژی و پیشرفت رسانه‌های سمعی و بصری، کم‌کم لهجه‌های بومی که حاوی فرهنگ و ضرب‌المثل‌های مناطق مختلف کشور است و در حال فراموشی بود دوباره جان گرفت. من معتقدم همان‌طور که در مقدمه این کتاب و در مقاله‌ای که در مجله فرهنگی هنری انجمن پیشاپور نوشتم، برای ثبت و باقی ماندن واژه‌ها که از فرهنگ‌های مختلف گرفته شده است، خود و شاعران را موظف می‌دانم که با توجه به گویش‌های محلی خود، آن‌ها را در شعر محلی به کار برند.

جناب آقا، منظورم این بود که آیا افراد مناطق دیگر هم می‌توانند به همین زیبایی که شما لطف کردید، دو غزل از این مجموعه را برای من خوانند، بخوانند؟

خیر، تنها افراد مناطق دیگر، بلکه خود بچه‌های کازرون هم با خیلی از واژه‌های گویش گذشته آشنایی ندارند. چه برسد به افراد مناطق دیگر. تنها راه، همان استفاده از زبان راهنمای بین‌المللی است.

از رسانه‌های سمعی و بصری گفتید، آیا بهتر نبود همراه این کتاب یک سی‌دی با خوانش خودتان هم ارائه می‌دادید؟

بله، درست می‌فرمایید، چنین قصدی داشتم ولی نتوانستم به‌موقع آن را آماده کنم. به یاری خدا در آینده، چنین اقدامی خواهم کرد تا مخاطب بهتر با کتاب ارتباط برقرار کند.

با سیاست از شما دوست گرامی که محبت کردید و در این گفت‌وگو شرکت نمودید، در خانم اگر سخنی دارید بفرمایید.

من هم از شما جناب آقای رجبی سپاسگزارم که تشریف آوردید و این امکان را فراهم ساختید که در مورد این مجموعه صحبت کنم. همان‌طور که گفتم چنانچه اهل ادب (شاعران و ادیبان) در حفظ و نگهداری گویش و فرهنگ‌های محلی تلاش نموده بودند، اکنون خیلی از این سرمایه‌های ملی از بین رفته بود!

من همیشه، مدیون زنده‌یاد انجوی شیرازی و شاعران بزرگوار که کوشیدند و این آثار را از دل متون قدیم یا زبان مردم عرضه کردند، هستم؛ و از پژوهشگران و شاعران بومی سرا که به زبان منطقه خود اثری خلق کرده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزارم.

جناب آقا، لطف کنید چند تن را نام ببرید.

چشم! شاعران بزرگوار چون بیژن سمندر، محسن پزشکیان، استاد شهریار، ایرج شمسی زاده، فرج اله کمالی، طالب هاشمی، معصومه خدادادی، احمد انصاری قلیانی، محمدحسین

بعد از ظهر یکشنبه ششم فروردین سال جای با حضور آقای مهندس محمد دوانی و مردم، در سالن نجیگان کازرون از سروده «گلابارون» رونمایی شد. آقای دکتر دهقانان‌فرد و استاد حسن اجتهادی و خالق اثر، در معرفی آن سخنانی بیان داشتند.

بدین مناسبت عصر سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۷ خورشیدی طبق قرار قبلی، در منزلشان به دیدار شرفته تا درباره سروده جدیدش با او گفت‌وگویی داشته باشم.

با درود و شادباش سال نو به شما و خانواده گرامی، از روزنامه طلوع خدمت می‌رسم. لطف کنید برای خوانندگان خودتان را معرفی کنید.

با سلام و تبریک سال نو به شما و همکارانتان در نشریه طلوع و آرزوی سال خوبی برای همه مردم جهان و ایران و شما جناب رجبی! سید محمدعلی آل مجتبی (شاه امیری) هستم. متولد ۱۳۳۳ هجری شمسی، محله آهنگران کازرون.

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را کجا گذراندید؟

ابتدایی را تا کلاس سوم، دبستان مجتهد، چهارم، دبستان امیر عضدی (شیخ جبار)، پنجم: دبستان ششم بهمین و کلاس ششم را در آموزشگاه احمد مصلاهی که شادروان استاد شکراله مرتجز آموزگارم بود و خیلی برایمان زحمت کشید. روحش شاد. متوسطه را در دبیرستان شاهپور (بستانپور) و مدرک دیپلم طبیعی را از آنجا کسب کردم.

خدمت سربازی را کجا گذراندید؟

سپاه دانش شدم. آموزشی را گرگان و در روستای «بهنوئی» شهر بابک، شهرستان رفسنجان استان کرمان شروع به تدریس نمودم.

جناب آقا. چه سالی به استخدام آموزش و پرورش درآمدید؟

تاریخ ۱۳۵۵/۱۰/۲ به استخدام آموزش و پرورش کازرون درآمد.

تحصیلات دانشگاهی را کجا گذراندید؟

بعد از پانزده سال تدریس در مقاطع ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان، سال ۱۳۷۰ دانشگاه پیام نور شیراز در رشته ادبیات فارسی به تحصیل پرداخته و سال ۱۳۷۴ فارغ‌التحصیل شدم.

شما پیش از تحصیلات دانشگاهی در مدارس راهنمایی و دبیرستان چه درسی تدریس می‌کردید؟

من یک سال در مدرسه راهنمایی سیف‌آباد کازرون و حدود ۱۰ سال در دبیرستان‌های کازرون عربی تدریس می‌کردم.

بسیار خوب. از چه زمانی شعر سرودید؟

از دوران جوانی، سال ۱۳۴۷

جناب آقا. سال ۴۷ با توجه به تاریخ تولدتان شانزده سال داشتید. عاشق شدید؟

بله طبق معمول جوانی ایجاب می‌کند.

عاشق همسرت؟

خیر، آن موقع هنوز ایشان را ندیده بودم.

آقا، آن عشق چه تأثیری در شاعری شما داشت؟

چی بگم؟ ناخودآگاه اولین غزلم به لهجه کازرونی را برای او سرودم.

یعنی اولین سروده شما فلکلور بود؟ یا آن سروده هم در این مجموعه «گلابارون» هست؟

بله. با تغییراتی که به دلایلی در آن دادم.

شما در آن سن و سال، با فنون شعری آشنا بودید؟

تائید می‌کنم. چون در خانواده‌ای بزرگ شدم که با افراد ادیب شهر در ارتباط بود. اهالی علم و شعر و ادب به خانه ما می‌آمدند و من از آن‌ها می‌آموختم. علاوه بر این عمه پدرم زن فاضلی بود و مجتهدین شهر او را قبول داشتند. عموها هم اهل شعر و صوت خوبی داشتند.

جناب آقا! این‌طور که می‌فرمایید این ذوق بیشتر ارثی بوده؟

بله چون خیلی‌ها هستند به فنون شعری آشنایند ولی شعر نمی‌گویند. تا آن ذوق نباشد امکان ندارد.

یعنی شما آن زمان هم به این قدرت شعر می‌گفتید؟

خیر، من غزل اول و دوم را که به زبان کازرونی گفتم، نه قافیه بلد بودم نه ردیف را می‌دانستم. غزل دوم را گم کردم و به‌جز یک بیت آن را به یاد ندارم.

شما قبل از این ۲۳ غزلی که به زبان کازرونی (لهجه کازرونی) سرودید، ۹۵ غزل در مجموعه «با گناهی که مرتکب شدم» با زبان غیربومی سروده‌اید که به نظر من خیلی زیباست! چه شد که اکنون به فکر بومی سرایی افتادید؟

اشعار فلکلوریک را همزمان با آثار کلاسیک سروده بودم. ولی اینکه به انتشار آن پرداختم. از سال ۵۳ تا ۵۵ شعر نو کار می‌کردم. به خاطر آشنایی با آثار دکتر شریعتی برای بیان و بازگو کردن مسائل سیاسی و تفهیم راحت‌تر به مخاطب به این کار پرداختم. برای مثال بعد از خواندن اثر «اوریا نا فلاچی» زندگی جنگ و دیگر هیچ، شعر نوی با همین عنوان سرودم.

جناب آقا. مضمون شعر هم با حوادث کتاب سازگار بود؟

بله دقیقاً بر آن اساس و تحت تأثیر آن سروده بودم.

به کدام یک از سه گونه‌ای که سروده‌ای علاقه‌مندید؟

غزل و معتقدم که شعر خود قالب را برای شاعر مشخص می‌کند.

علاوه بر این ۲۳ غزلی که در «گلابارون» منتشر کردید، به این سبک باز غزل فلکلوریک دارید؟

بله ولی این اشعار، انتخاب خودم بوده!

آیا در قالب‌های دیگری هم شعر به لهجه کازرونی سروده‌اید؟

بله طنز و مثنوی بلندی به نام «شو نومه»!

آیا قصد دارید آن‌ها را انتشار دهید؟

چند اثر در نوبت چاپ دارم. مجموعه‌ای از کارهای آزاد با عنوان «دامنی از گل‌های ترنج» و مجموعه غزلی با عنوان «پرند در قفس نبوده» و شعرهای آیینی که هنوز عنوانی برایش نیافته‌ام و قصد دارم در چند جلد چاپ کنم.

جناب آقا، در سرایش این اشعار از زنده‌یاد پزشک‌های هم الهام گرفته‌اید؟

خیر، من تا سال ۱۳۵۸ با مرحوم پزشک‌های آشنایی نداشته و او را نمی‌شناختم. بعد از درگذشت ایشان، توسط آقای علی صحرايان با نواری که از صدای زنده‌یاد، در خوانش سروده‌هایش با لهجه کازرونی در اختیارم گذاشت، با آثارش آشنا شدم.

نظر شما نسبت به آثار ایشان چیست؟

من بارها گفته‌ام، در آثار فلکلور، به‌ویژه لهجه کازرونی، شعری بالاتر و زیباتر از ۱۲ سروده ایشان ندیده‌ام و سعی می‌کنم در مجالس شعر، ابتدا از او غزلی قرائت کنم!

غزل‌های فلکلوریک شما، زیبا و دلنشین، با توجه به اینکه تعداد سروده‌های شما در این گونه سرایش زیادتر است. البته به‌جز شما و زنده‌یاد پزشک‌های محدود غزل‌هایی از شعرای کازرونی از جمله زنده‌یاد پرهیزکار و شادروان مردانی و آقای عارف و جناب بهره دار و

بیدار مغز دیده‌ام. چه تفاوتی بین این‌ها و آثار پزشک‌های می‌بینید؟

اول اینکه محسن پزشکیان شاعر توانایی بود و چون در فرهنگ کازرون پژوهش‌های